

## خداوند دنیا را آفرید - پیدایش ۱: ۱-۲۵

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های از متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یک اشتراک کننده قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## خداوند دنیا را آفرید - پیدایش ۱: ۱-۲۵

۱ در ابتدا خدا آسمان ها و زمین را آفرید. ۲ زمین خالی و بدون شکل بود. همه جا آب بود و تاریکی آنرا پوشانیده بود و روح خدا بر روی آنها حرکت می کرد. ۳ خدا فرمود: «روشنی بشود» و روشن شد. ۴ خدا دید که روشنی نیکوست و روشنی را از تاریکی جدا کرد. ۵ خدا روشنی را روز و تاریکی را شب نام گذاشت. شب گذشت و صبح شد. این بود روز اول.

۶ خدا فرمود: «فضا ساخته شود تا آنها را از یکدیگر جدا کند.» ۷ خدا فضا را ساخت و آب های زیر فضا را از آب های بالای فضا جدا کرد. ۸ خدا فضا را آسمان نامید. شب گذشت و صبح شد. این بود روز دوم.

۹ خدا فرمود: «آب های زیر آسمان در یک جا جمع شوند تا خشکه ظاهر گردد» و چنان شد. ۱۰ خدا خشکه را زمین نامید و آنها را که در یک جا جمع شده بودند بحر نام گذاشت. خدا دید که آنچه انجام شده بود نیکوست. ۱۱ سپس خدا فرمود: «زمین همه نوع نبات برویاند. نباتاتی که غلات و حبوبات بیاورند و نباتاتی که میوه بار آورند» و چنین شد. ۱۲ پس زمین همه نوع نبات رویانید و خدا دید که آنچه بوجود آمده بود نیکوست. ۱۳ شب گذشت و صبح شد. این بود روز سوم.

۱۴ بعد از آن خدا فرمود: «اجسام نورانی در آسمان بوجود آیند تا روز را از شب جدا کنند و روز ها، سال ها، آیات و زمان ها را نشان دهند. ۱۵ آن ها در آسمان بدرخشند تا بر زمین روشنی دهند» و چنین شد. ۱۶ پس از آن، خدا دو جسم نورانی بزرگتر ساخت، یکی آفتاب برای سلطنت در روز و یکی ماهتاب برای سلطنت در شب. همچنین ستارگان را ساخت. ۱۷ آن ها را در آسمان قرار داد تا بر زمین روشنی دهند ۱۸ و بر روز و شب سلطنت نمایند و روشنی را از تاریکی جدا کنند. خدا دید که نیکوست. ۱۹ شب گذشت و صبح شد. این بود روز چهارم.

۲۰ پس از آن خدا فرمود: «آبها از انواع حیوانات و آسمان از انواع پرندگان پُر شوند.» ۲۱ پس خدا جانداران بزرگ بحری و همه حیواناتی که در آب زندگی می کنند و تمام پرندگان آسمان را آفرید. خدا دید که آنچه کرده بود نیکوست. ۲۲ و همه آن ها را برکت داد و فرمود: «بارور و زیاد شوید و آب های بحر را پُر سازید و پرندگان در زمین زیاد شوند.» ۲۳ شب گذشت و صبح شد. این بود روز پنجم.

۲۴ بعد از آن خدا فرمود: «زمین همه نوع حیوانات بوجود آورد، اهلی و وحشی، بزرگ و کوچک» و چنین شد. ۲۵ پس خدا همه آن ها را ساخت و دید که آنچه انجام داده بود نیکوست.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این بخش دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## خداوند انسان را آفرید - پیدایش ۲: ۴-۲۵

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## خداوند انسان را آفرید - پیدایش ۲: ۴-۲۵

۴ این چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین است. وقتی خداوند، خدا آسمان ها و زمین را ساخت، ۵ هیچ گیاه یا علف سبز در روی زمین نبود، زیرا خداوند هنوز باران در زمین نبارانیده بود و کسی نبود که در زمین زراعت کند. ۶ اما آب از زیر زمین بالا می آمد و زمین را سیراب می کرد.

### آفرینش آدم

۷ پس از آن خداوند، خدا مقداری خاک از زمین برداشت و از آن آدم را ساخت و در بینی او روح حیات دمید و او یک موجود زنده گردید.

۸ خداوند، خدا باغی در عدن که بطرف مشرق است درست کرد و آدم را که ساخته بود در آنجا جا داد. ۹ خداوند همه نوع درختان زیبا و میوه دار را در آن باغ رویانید و درخت زندگی و همچنین درخت شناسائی خوب و بد را در وسط باغ قرار داد. ۱۰ دریائی از عدن می گذشت و باغ را سیراب می کرد و از آنجا به چهار دریای دیگر تقسیم می شد. ۱۱ دریای اول پیشون است که سرزمین حویله را دور می زند. ۱۲ (در این سرزمین طلای خالص و عطر گران قیمت و سنگ عقیق وجود دارد.) ۱۳ دریای دوم جیحون است که سرزمین کوش را دور می زند. ۱۴ دریای سوم دجله است که از شرق آشور می گذرد، و دریای چهارم فرات است.

۱۵ سپس خداوند، خدا آدم را در باغ عدن جا داد تا در آن زراعت کند و از آن نگهداری نماید. ۱۶ خداوند به آدم فرمود: «اجازه داری از میوه تمام درختان باغ بخوری. ۱۷ اما هرگز از میوه درخت شناسائی خوب و بد نخوری، زیرا اگر از آن بخوری در همان روز می میری.»

### آفرینش زن

۱۸ خداوند، خدا فرمود: «خوب نیست که آدم تنها زندگی کند. بهتر است که یک همدم مناسب برای او بسازم تا به او کمک کند.» ۱۹ پس خداوند تمام حیوانات و پرندگان را از خاک زمین ساخت و پیش آدم آورد تا ببیند آدم چه نامی بر آن ها خواهد گذاشت و هر نامی که آدم بر آن ها گذاشت همان نام آن ها شد. ۲۰ بنابراین آدم تمام پرندگان و حیوانات را نام گذاری کرد، ولی هیچ یک از آن ها همدم مناسبی برای آدم نبود که بتواند به او کمک کند.

۲۱ پس خداوند، خدا آدم را به خواب عمیقی فرو برد و وقتی او در خواب بود یکی از قبرغه هایش را گرفت و جای آنرا بهم پیوست. ۲۲ سپس از آن قبرغه زن را ساخت و او را پیش آدم آورد. ۲۳ آدم گفت:

«این مثل خود من است. استخوان از استخوان هایم و قسمتی از بدنم. نام او زن است، زیرا از انسان گرفته شد.»

۲۴ به همین دلیل مرد پدر و مادر خود را ترک نموده با زن خود زندگی می کند و هر دو یک تن می شوند. ۲۵ آدم و زنش هر دو برهنه بودند، ولی احساس خجالت نمی کردند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## پلان ابتدایی خدا - پیدایش ۱: ۲۶-۳۱

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## پلان ابتدایی خدا - پیدایش ۱: ۲۶-۳۱

۲۶ پس از آن خدا فرمود: «حالا انسان را می سازیم. آن ها به صورت ما و به شکل ما باشند و بر ماهیان بحری و پرندگان آسمان و همه حیوانات، اهلی و وحشی، بزرگ و کوچک و تمام زمین حکومت کنند.» ۲۷ پس خدا انسان را به صورت خود آفرید. انسان را به صورت خدا آفرید. آن ها را زن و مرد آفرید. ۲۸ آن ها را برکت داد و فرمود: «بارور و زیاد شوید، زمین را پر سازید و در آن تسلط نمائید. بر ماهیان و پرندگان و تمام حیوانات روی زمین حکومت کنید.» ۲۹ و خدا گفت: «هر نوع گیاهی را که غلات و حبوبات بیاورد و هر نوع درختی را که میوه بیاورد به شما دادم تا برای شما خوراک باشد. ۳۰ اما هر نوع علف سبز را برای خوراک تمام حیوانات و پرندگان آماده کرده ام.» و چنین شد. ۳۱ آنگاه خدا کارهای آفرینش را ملاحظه کرد و همه را از هر جهت عالی یافت. شب گذشت و صبح شد، این بود روز ششم.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## نافرمانی مردم از خداوند - پیدایش ۳: ۱-۱۳

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## نافرمانی مردم از خداوند - پیدایش ۳: ۱-۱۳

۱ مار، از تمام حیواناتی که خداوند، خدا ساخته بود زیرکتر بود. او از زن پرسید: «آیا واقعاً خدا به شما گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» زن جواب داد: «ما اجازه داریم از میوه تمام درختان باغ بخوریم ۳ بجز از میوه درختی که در وسط باغ است. خدا به ما گفته است از میوه آن درخت نخورید و حتی به آن دست نزنید، مبادا بمیرید.» ۴ مار جواب داد: «این درست نیست. شما نمی میرید. ۵ خدا این را گفت، زیرا می داند وقتی از آن بخورید شما هم مثل خدا می شوید و می دانید چه چیز خوب و چه چیز بد است.»

۶ زن نگاه کرد و دید آن درخت بسیار زیبا و میوه آن برای خوردن گوارا است. همچنین فکر کرد چقدر خوب است که دانا بشود. بنابراین، از میوه آن درخت گرفت و خورد. همچنین به شوهر خود داد و او هم خورد. ۷ همینکه آنرا خوردند به آن ها دانشی داده شد و فهمیدند که برهنه هستند، پس برگهای درخت انجیر را بهم دوخته خود را با آن پوشانیدند.

۸ عصر آن روز شنیدند خداوند، خدا در باغ راه می رود، پس خود را پشت درختها پنهان کردند. ۹ اما خداوند، خدا آدم را صدا کرد و فرمود: «کجا هستی؟» ۱۰ آدم جواب داد: «چون صدای تو را در باغ شنیدم ترسیدم و پنهان شدم، زیرا برهنه هستم.» ۱۱ خدا پرسید: «چه کسی به تو گفت که برهنه هستی؟ آیا از میوه درختی که به تو گفتم نباید از آن بخوری، خوردی؟» ۱۲ آدم گفت: «این زنی که تو او را همدم من کردی، آن میوه را به من داد و من خوردم.» ۱۳ خداوند، خدا از زن پرسید: «چرا این کار را کردی؟» زن جواب داد: «مار مرا فریب داد که از آن بخورم.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## جواب عادلانه خدا – پیدایش ۳: ۱۴-۲۴

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## جواب عادلانه خدا – پیدایش ۳: ۱۴-۲۴

۱۴ سپس خداوند، خدا به مار فرمود: «چون این کار را کردی، از همه حیوانات ملعونتر هستی. بر روی شکمت راه می روی و در تمام مدت عمرت خاک می خوری. ۱۵ در بین تو و زن دشمنی می اندازم. نسل تو و نسل وی همیشه دشمن هم می باشند. او سر تو را می شکند و تو گری پای او را می گزی.» ۱۶ به زن فرمود: «درد و زحمت تو را در ایام حاملگی و در وقت زائیدن بسیار زیاد می کنم. تو به عشق شوهرت محتاج می باشی و اختیار تو به دست او می باشد.» ۱۷ به آدم فرمود: «تو به حرف زنت گوش دادی و از درختی که به تو گفته بودم نخوری، خوردی. به خاطر این کار تو، زمین لعنت شد و تو باید در تمام مدت زندگی با سختی کار کنی تا از زمین خوراک به دست بیاوری. ۱۸ زمین خار و علف های هرزه می رویاند و تو نباتات صحرا را می خوری. ۱۹ با زحمت و عرق پیشانی از زمین خوراک به دست می آوری، تا روزی که به خاک، یعنی خاکی که از آن به وجود آمده ای، برگردی. تو از خاک هستی و دوباره خاک می شوی.» ۲۰ آدم اسم زن خود را حوا گذاشت چون او مادر تمام انسانها است. ۲۱ خداوند، خدا از پوست حیوانات برای آدم و زنش لباس تهیه کرد و به آن ها پوشانید.

### بیرون کردن آدم و حوا از باغ عدن

۲۲ پس خداوند، خدا فرمود: «حالا آدم مثل ما شده و می داند چه چیز خوب و چه چیز بد است. مبادا از درخت حیات نیز بخورد و برای همیشه زنده بماند.» ۲۳ بنابراین، خدا او را از باغ عدن بیرون کرد تا در روی زمین، که از آن بوجود آمده بود، به کار زراعت مشغول شود. ۲۴ خداوند آدم را از باغ عدن بیرون کرد و نهبانانی در طرف شرق باغ عدن گماشت و شمشیر آتشی را که به هر طرف می چرخید در آنجا قرار داد تا کسی نتواند به درخت زندگی نزدیک شود.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## قضاوت مقدس خدا – پیدایش ۶: ۵-۲۲

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟

در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟

درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## قضاوت مقدس خدا ۱ - پیدایش ۶: ۵-۲۲

۵ وقتی خداوند دید که چگونه تمام مردم روی زمین شریر شده اند و تمام افکار آن ها اندیشه های گناه آلود است، ۶ از اینکه انسان را آفریده و در روی زمین گذاشته بود، پشیمان و بسیار غمگین شد. ۷ پس فرمود: «من این مردم و چهارپایان و خزندگان و پرندگانی را که آفریده ام، نابود می کنم، زیرا از اینکه آن ها را آفریده ام، پشیمان هستم.» ۸ اما خداوند از نوح راضی بود.

### نوح

۹ سرگذشت نوح از این قرار است: او در زمان خود یک مرد عادل و پرهیزگار بود و همیشه با خدا رابطه خاصی داشت. ۱۰ نوح دارای سه پسر بود به نام های حام، سام و یافت. ۱۱ اما تمام مردم در حضور خدا گناهکار بودند و ظلم و ستم همه جا را پُر کرده بود. ۱۲ خدا دید که مردم زمین فاسد شده اند و همه راه فساد را پیش گرفته اند. ۱۳ خدا به نوح فرمود: «تصمیم گرفته ام بشر را از بین ببرم. چون ظلم و فساد آن ها دنیا را پُر کرده است، بنابراین، من آن ها را با زمین نابود می کنم. ۱۴ تو برای خود یک کشتی از چوب درخت سرو بساز که چندین اتاق داشته باشد. داخل و خارج آنرا با قیر ببوشان. ۱۵ آنرا این طور بساز: طول آن یکصد و پنجاه متر، عرض آن بیست و پنج متر و بلندی آن پانزده متر. ۱۶ کلکینی هم نزدیک سقف به اندازه پنجاه سانتی متر بساز و دروازه کشتی را در کنار آن قرار بده. کشتی را طوری بساز که دارای سه طبقه باشد. ۱۷ من طوفان و باران شدید بر زمین می فرستم تا همه جانداران هلاک گردند و هر چه بر روی زمین است بمیرد. ۱۸ اما با تو پیمان می بندم. تو به اتفاق پسران، همسر و عروس هایت به کشتی داخل می شوی. ۲۰-۱۹ از تمام حیوانات یعنی پرندگان، چهارپایان و خزندگان یک جفت نر و ماده با خود به کشتی ببر، تا آن ها را زنده نگهداری. ۲۱ از هر نوع غذا برای خود و برای آن ها با خود بردار.» ۲۲ نوح هر چه خدا به او فرمود انجام داد.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟



## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## قضاوت مقدس خدا ۲ – پیدایش ۶:۷-۱۲، ۱۷-۲۴؛ ۸:۱۸-۲۲

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## قضاوت مقدس خدا ۲ – پیدایش ۶:۷-۱۲، ۱۷-۲۴؛ ۸:۱۸-۲۲

### پیدایش ۶:۷-۱۲

۶ وقتی طوفان آمد، نوح ششصد ساله بود. ۷ او با زن، پسرها و عروس هایش به داخل کشتی رفتند تا از طوفان رهایی یابند. ۸ همانطوری که خداوند به نوح هدایت داده بود، از تمام چهارپایان حلال و حرام و خزندگان جفت جفت نر و ماده ۹ با نوح به داخل کشتی رفتند. ۱۰ پس از هفت روز آب روی زمین را فرا گرفت. ۱۱ در ششصدمین سال زندگی نوح، در روز هفدهم ماه دوم، تمام چشمه های عظیم در زیر زمین باز شد و همه روزنه های آسمان باز شدند ۱۲ و مدت چهل شبانه روز باران می بارید.

### پیدایش ۷:۱۷-۲۴

۱۷ مدت چهل روز باران مانند سیل بر زمین می بارید و آب زیادتر می شد بطوری که کشتی از زمین بلند شد. ۱۸ آب به قدری زیاد شد که کشتی بر روی آب به حرکت آمد. ۱۹ آب از روی زمین بالا می آمد و آنقدر بلند شد تا اینکه آب تمام کوههای بلند را پوشانید ۲۰ و به اندازه هفت متر از کوهها بالاتر رفت و همه چیز را پوشانید. ۲۱ هر زنده جانی که در روی زمین حرکت می کرد، یعنی تمام پرندگان، چهارپایان و خزندگان و تمام مردم، همه مُردند. ۲۲ هر جانداري که در روی زمین بود مُرد. ۲۳ خدا هر موجودی را که در روی زمین بود یعنی انسان، چهارپایان و خزندگان و پرندگان آسمان، همه را نابود کرد. فقط نوح با هر چه در کشتی با او بود باقی ماند. ۲۴ آب یکصد و پنجاه روز روی زمین را پوشانده بود.

## پیدایش ۸: ۱۸-۲۲

۱۸ پس نوح، زن، پسرها و عروس هایش از کشتی بیرون رفتند. ۱۹ تمام چهارپایان و پرندگان و خزندگان هم با جفت های خود از کشتی خارج شدند. ۲۰ نوح قربانگاهی برای خداوند بنا کرد و از هر پرنده و هر حیوان حلال یکی را به عنوان قربانی سوختنی بر قربانگاه قربانی کرد. ۲۱ وقتی بوی خوش قربانی به پیشگاه خداوند رسید، خداوند با خود گفت: «بعد از این دیگر زمین را به خاطر انسان لعنت نمی کنم. گرچه انسان از کودکی افکار شریرانه داشته است. دیگر همه حیوانات را هلاک نمی کنم چنان که کردم. ۲۲ تا زمانی که دنیا هست، کشت و زراعت، سرما و گرما، زمستان و تابستان و روز و شب هم باشد.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## وعده خاص خدا – پیدایش ۹: ۱-۱۹

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟

در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟

درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟

درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند

قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## و عده خاص خدا – پیدایش ۹: ۱-۱۹

### پیمان خدا با نوح

۱ خدا نوح و پسرانش را برکت داده فرمود: «فراوان و زیاد شوید و دوباره همه جای زمین را پُر کنید. ۲ همه حیوانات زمین و پرندگان آسمان و خزندگان و ماهیان از شما می ترسند. همه آن ها در اختیار شما باشند. ۳ شما می توانید آن ها را مثل علف سبز بخورید. ۴ اما گوشت را با خون که نشانه حیات است، نخورید. ۵ اگر کسی انسانی را بکشد، مجازات خواهد شد و هر حیوانی که انسانی را بکشد، به مرگ محکوم می کنم. ۶ انسان به صورت خدا آفریده شد. پس هر که انسانی را بکشد به دست انسان کشته می شود. ۷ شما فراوان و بی شمار و در روی زمین زیاد شوید.»

۸ خدا به نوح و پسرانش فرمود: ۹ «من با شما و بعد از شما با اولاده شما پیمان می بندم. ۱۰ همچنین پیمان خود را با همه جانورانی که با تو هستند، یعنی پرندگان، چهارپایان و هر حیوان وحشی و هر چه با شما از کشتی بیرون آمدند و همچنین تمام جانداران روی زمین حفظ می کنم. ۱۱ من با شما پیمان می بندم که دیگر همه جانداران باهم از طوفان هلاک نمی شوند و بعد از این دیگر طوفانی که زمین را خراب کند نمی باشد.» ۱۲ خدا فرمود: «نشانه پیمانی که نسل بعد از نسل با شما و همه جانورانی که با شما باشند، می بندم این است: ۱۳ کمان رستم را تا به ابد در ابرها قرار می دهم تا نشانه آن پیمانی باشد که بین من و جهان بسته شده است. ۱۴ هر وقت ابر را در بالای زمین پهن می کنم و کمان رستم ظاهر می شود، ۱۵ پیمان خود را که بین من و شما و تمامی جانوران عقد شده است، به یاد می آورم تا طوفان دیگر همه جانداران را با هم هلاک نکند. ۱۶ کمان رستم در ابر می باشد و من آنرا می بینم و آن پیمانی را که بین من و همه جانداران روی زمین بسته شده، به یاد می آورم.» ۱۷ خدا به نوح فرمود: «این نشانه آن پیمانی است که با همه جانداران زمین بسته ام.»

### نوح و پسرانش

۱۸ سام و حام و یافت پسران نوح بودند که از کشتی بیرون آمدند (حام پدر کنعانیان است). ۱۹ اینها سه پسر نوح بودند که تمام ملل جهان از آن ها بوجود آمد.

### پرساں کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## قوانین کامل خدا - خروج ۲۰: ۱-۱۷

## ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

## کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## قوانین کامل خدا - خروج ۲۰: ۱-۱۷

۱ خدا سخن گفت و این را فرمود: ۲ «من خداوند، خدای تو هستم که ترا از مصر که در آنجا در غلامی بسر می بردی بیرون آوردم. ۳ خدای دیگر غیر از من نداشته باش. ۴ هیچگونه مجسمه یا بتی به شکل آنچه که بالا در آسمان و از آنچه پائین بر روی زمین و آنچه در آب زیر زمین است، برای خود نساز. ۵ در برابر آن ها زانو نزن و آن ها را پرستش نکن، زیرا من خداوند، که خدای تو می باشم، خدای غیور و حسود هستم و کسانی را که با من دشمنی کنند، تا نسل سوم و چهارم مجازات می کنم. ۶ ولی به کسانی که مرا دوست دارند و از احکام من پیروی می کنند، تا هزار پشت رحمت می کنم. ۷ نام خداوند، خدایت را به باطل بر زبان نیاور، زیرا کسیکه از نام خداوند سوء استفاده کند، خداوند او را مجازات می کند. ۸ روز سبت را به یاد داشته باش و آن را مقدس بدار. ۹ شش روز در هفته کار کن، ۱۰ ولی در روز هفتم که روز استراحت و روز مخصوص خداوند است، هیچ کار نکن. نه خودت، نه فرزندانت، نه غلامت، نه کنیزت، نه حیواناتت و نه مهمانانت. ۱۱ من، خداوند، در شش روز زمین و آسمان و بحر ها و هر چه در آن ها است، ساختم و در روز هفتم استراحت کردم. به همین دلیل است که من، خداوند، روز سبت را برکت دادم و آنرا مقدس خواندم. ۱۲ به پدر و مادرت احترام کن تا در سرزمینی که به تو می دهم عمر طولانی داشته باشی. ۱۳ قتل نکن. ۱۴ زنا نکن. ۱۵ دزدی نکن. ۱۶ به کسی شهادت دروغ نده. ۱۷ به خانه همسایه خود طمع نکن. به زن، غلام، کنیز، گاو، الاغ و هر چیزیکه مال همسایه ات می باشد، طمع نکن.»

## پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## نافرمانی همه از قوانین خدا ۱ - مزامیر ۱۴:۱-۶

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکنند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## نافرمانی همه از قوانین خدا ۱ - مزامیر ۱۴:۱-۶

۱ احمق در دل خود می گوید: «خدائی نیست.» اعمال شان فاسد و زشت است و حتی یک نفر نیکوکار نیست. ۲ خداوند از آسمان بر بنی آدم می نگرند تا ببینند که آیا شخص دانا و خداجویی وجود دارد. ۳ همه گمراه و فاسد شده اند. نیکوکاری نیست، حتی یک نفر هم نیست. ۴ آیا همه این بدکاران شعور ندارند که قوم برگزیده خدا را مثل نان می خورند و نام خداوند را یاد نمی کنند؟ ۵ پس ترس بر ایشان چیره می گردد، زیرا خداوند در بین عادلان حضور دارد. ۶ وقتی امید مسکینان را خوار بدانند، خداوند آن ها را در پناه خود می گیرد.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## نافرماتی همه از قوانین خدا ۲- رومیان ۳: ۹-۱۸

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## نافرماتی همه از قوانین خدا ۲- رومیان ۳: ۹-۱۸

۹ پس چه؟ آیا ما یهودیان از غیر یهودیان وضع بهتری داریم؟ ابدأ، پیش از این نشان دادیم که یهودیان و غیر یهودیان، همه در گناه گرفتار هستند. ۱۰ چنانکه نوشته شده است: «حتی یک نفر نیست که عادل باشد. ۱۱ کسی نیست که بفهمد یا جویای خدا باشد. ۱۲ همه آدمیان از خدا روگردانیده اند، همگی از راه راست دور شده اند؛ حتی یک نفر نیکوکار نیست. ۱۳ گلوی شان مثل قیر روباز است، زبان شان را برای فریب دادن به کار می برند و از لب های شان سخنانی مهلک مانند زهر مار جاری است. ۱۴ دهان شان پُر از دشنام های زنده و بدی است، ۱۵ و پاهای شان برای خونریزی تندرو است. ۱۶ به هر جا که می روند، ویرانی و بدبختی بجا می گذارند، ۱۷ و راه صلح و سلامتی را نشناخته اند. ۱۸ خدا ترسی بنظر ایشان نمی رسد.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## سزای نافرمانی – لاویان ۴: ۱۳-۲۱

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## سزای نافرمانی – لاویان ۴: ۱۳-۲۱

۱۳ هرگاه تمام قوم اسرائیل سهواً مرتکب گناه شوند و یکی از احکام خداوند را بجا نیاورند، هر چند خطای شان قصداً نباشد، گناهکار محسوب می شوند. ۱۴ وقتی گناه شان آشکار گردد، آن ها باید گوساله ای را بعنوان قربانی گناه به خیمه حضور خداوند بیاورند. ۱۵ بزرگان قوم بحضور خداوند دستهای خود را بر سر گوساله گذاشته در آنجا سرش را ببرند. ۱۶ بعد کاهن اعظم خون گوساله را به خیمه بیاورد ۱۷ و انگشت خود را در خون فروبرده در حضور خداوند هفت بار در پیشروی پرده بیاشد. ۱۸ و سپس کمی از خون را بر چهار کنج قربانگاه که در بین خیمه حضور خداوند است بمالد و باقیمانده خون را در پای قربانگاه قربانی سوختنی که نزدیک دروازه دخول خیمه حضور خداوند است بریزد. ۱۹ تمام چربی آن باید بر قربانگاه سوزانده شود. ۲۰ و کاهن همان کاری را که با گوساله قربانی گناه کرد با این گوساله هم بکند. به این ترتیب گناهان قوم کفاره شده همگی بخشیده می شوند. ۲۱ بعد گوساله قربانی شده را به بیرون اردوگاه برده آن را مثل گوساله اول بسوزاند. با این قربانی، تمام قوم از گناه پاک می شوند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## موهبت بخشش – مزامیر ۳۲

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## موهبت بخشش – مزامیر ۳۲

۱ خوشا به حال کسی که سرکشی او آمرزیده و گناه وی پوشیده شده است. ۲ خوشا به حال کسی که خداوند گناه او را به حساب نمی آورد و مکر و حيله ای در وجود او نیست. ۳ تا زمانی که به گناه خود اقرار نکردم، استخوانهایم بدر آمده و تمام روز در عذاب بودم. ۴ شب و روز زجر می کشیدم. طراوت و شادابی من، همچو آبی که در گرمای تابستان تبخیر می کند، محو گردیده بود. ۵ بعد به گناه خود اقرار نمودم و جرم خود را پنهان نکرده و گفتم: «من در حضور خداوند به سرکشی خود اعتراف می کنم.» آنگاه تو گناهم را بخشیدی و از آلودگی مرا پاک ساختی. ۶ پس باشد که هر شخص خداترس در زمان مطلوب به حضور تو دعا کند تا اگر سیلابهای زیادی هم به طغیان بیایند هرگز به او رسیده نتوانند. ۷ تو پناهگاه من هستی و در زمان مصیبت مرا نجات می دهی. فضای گرداگرد مرا پُر از سرودهای پیروزی و رهایی می نمائی. ۸ خداوند می فرماید: «من به تو حکمت می آموزم و ترا به راهی که باید بروی هدایت می کنم. ترا نصیحت می کنم و چشم از تو بر نخواهم داشت. ۹ مانند اسپ و قاطر، نادان و بی شعور نباشید که به دهان شان لگام و افسار می بندند، ورنه از شما اطاعت نخواهند کرد.» ۱۰ غم و غصه شخص شریک زیاد است، اما هر که به خداوند توکل کند از رحمت برخوردار می شود. ۱۱ پس ای عادلان در خداوند خوشی و شادمانی کنید و ای راستدلان سرود خوشی را سر کنید.



## پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## پلان خدا از طریق یک فامیل - پیدایش ۱۲:۱-۸؛ ۱۵:۱-۶؛ ۱۷:۱-۸

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟

در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟

درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟

درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند

قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## پلان خدا از طریق یک فامیل - پیدایش ۱۲:۱-۸؛ ۱۵:۱-۶؛ ۱۷:۱-۸

### پیدایش ۱۲:۱-۸

۱ خداوند به ابرام فرمود: «وطن اصلی و خویشاوندان و خانه پدری خود را ترک کن و به طرف سرزمینی که به تو نشان می دهم برو. ۲ از تو قوم بزرگی می سازم و به تو برکت می دهم. نام تو مشهور و معروف می شود و تو خودت مایه برکت می گردی. ۳ به کسانی که تو را برکت دهند برکت می دهم، اما کسانی که تو را لعنت کنند من آن ها را لعنت می کنم. و بوسیله تو همه ملت ها را برکت می دهم». ۴ همان طور که خداوند فرموده بود، موقعی که ابرام هفتاد و پنج سال داشت از

خَران خارج شد. لوط هم همراه او بود. ۵ ابرام زن خود سارای و لوط، برادرزاده اش، و تمام دارائی و غلامانی را که در خَران به دست آورده بود با خود برد و آن ها به طرف سرزمین کنعان حرکت کردند. وقتی آن ها به سرزمین کنعان رسیدند، ۶ ابرام در کنار درخت مقدس موریه در سرزمین شکیم رسید. (در آن موقع کنعانیان هنوز در آن سرزمین زندگی می کردند.) ۷ خداوند به ابرام ظاهر شد و به او گفت: «این سرزمینی است که من به نسل تو می بخشم.» پس ابرام در آنجا که خداوند خود را بر او ظاهر کرده بود قربانگاهی بنا کرد. ۸ بعد از آنجا حرکت کرده به طرف تپه های شرقی شهر بیت نیل رفت و خیمه های خود را بین بیت نیل در مغرب و عای در مشرق بنا کرد. در آنجا نیز قربانگاهی برای خداوند ساخت و خداوند را پرستش نمود.

### پیدایش ۱۵: ۱-۶

۱ بعد از این ابرام رؤیائی دید و صدای خداوند را شنید که به او می گوید: «ابرام، نترس، من تو را از خطر حفظ می کنم و به تو اجر بزرگی می دهم.» ۲ ابرام جواب داد: «ای خداوند متعال، چه اجری به من می دهی در حالیکه من فرزندی ندارم؟ تنها وارث من این ایلعازر دمشقی است. ۳ تو به من اولادی ندادی و یکی از غلامان من وارث من خواهد شد.» ۴ پس او شنید که خداوند دوباره به او می گوید: «این غلام تو، ایلعازر، وارث تو نخواهد شد. پسر تو وارث تو می شود.» ۵ خداوند او را بیرون برد و فرمود: «به آسمان نگاه کن و ببین که آیا می توانی ستارگان را بشماری. فرزندان تو هم مثل ستارگان بشمار می شوند.» ۶ ابرام به خداوند ایمان آورد و خداوند این را برای او عدالت شمرد و او را قبول درگاه خود کرد.

### پیدایش ۱۷: ۱-۸

۱ وقتی ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر او ظاهر شد و فرمود: «من خدای قادر مطلق هستم. از من اطاعت کن و همیشه آنچه را که درست است انجام بده. ۲ من با تو پیمان می بندم و اولاده بسیاری به تو می دهم.» ۳ ابرام بر زمین افتاد و سجده کرد. خدا فرمود: ۴ «من با تو پیمان می بندم و به تو قول می دهم که پدر اقوام زیادی شوی. ۵ اسم تو بعد از این ابرام نیست، بلکه ابراهیم است، زیرا من تو را پدر اقوام بسیار می سازم. ۶ من به تو فرزندان بسیار می دهم و بعضی از آن ها پادشاه می شوند. اولاده تو زیاد شده و هر یک از آن ها برای خود قومی می گردد. ۷ من پیمان خود را با تو و با اولاده ات در نسل های آینده به صورت یک پیمان ابدی حفظ می کنم. من خدای تو و خدای فرزندان تو می باشم. ۸ من این سرزمین را که اکنون در آن بیگانه هستی به تو و فرزندان تو می دهم. تمام سرزمین کنعان برای همیشه متعلق به نسل تو می شود و من خدای آن ها خواهم بود.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## امتحان کردن ایمان ابراهیم - پیدایش ۷:۲۱-۱:۲۲؛ ۱۹-۱

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

### امتحان کردن ایمان ابراهیم - پیدایش ۷:۲۱-۱

۱ خداوند همان طوریکه وعده داده بود، ساره را برکت داد ۲ و در وقتی که ابراهیم پیر بود، ساره حامله شد و پسری برای او به دنیا آورد. این پسر در همان وقتی که خدا فرموده بود به دنیا آمد. ۳ ابراهیم اسم او را اسحاق گذاشت. ۴ وقتی اسحاق هشت روزه شد، ابراهیم طبق فرموده خدا او را ختنه کرد. ۵ وقتی اسحاق متولد شد ابراهیم صد ساله بود. ۶ ساره گفت: «خدا برای من خوشی و خنده آورده است و هر کسی که این را بشنود با من خواهد خندید.» ۷ سپس اضافه کرد: «چه کسی باور می کرد که من روزی طفل ابراهیم را شیر بدهم؟ چون من در موقع پیری او پسری برایش به دنیا آورده ام.»

### امتحان کردن ایمان ابراهیم - پیدایش ۱۹:۲۲-۱

۱ مدتی بعد خدا ابراهیم را امتحان کرد و به او فرمود: «ابراهیم.» ابراهیم جواب داد: «بلی، خداوندا.» ۲ خدا فرمود: «پسر عزیزت اسحاق را که خیلی دوست می داری، بردار و به سرزمین موریاب برو، آنجا او را بر سر کوهی که به تو نشان می دهم برای من قربانی کن.» ۳ روز بعد، ابراهیم صبح وقت برخاست. مقداری هیزم برای قربانی تهیه نمود و آن را بر سر خر بار کرد. اسحاق و دو نفر از نوکران خود را برداشت و به طرف جایی که خدا به او فرموده بود، براه افتاد. ۴ روز سوم، ابراهیم آن محل را از فاصله دور دید. ۵ به نوکران خود گفت: «شما اینجا پیش خر بمانید. من و پسرم به آنجا می رویم تا عبادت کنیم. بعداً پیش شما بر می گردیم.» ۶ ابراهیم هیزم ها را بر دوش اسحاق گذاشت و خودش کارد و آتش برای روشن کردن هیزم برداشت و برای قربانی سوختنی با هم به راه افتادند. ۷ اسحاق گفت: «پدر.» ابراهیم جواب داد: «بلی پسرم؟» اسحاق پرسید: «می بینم که تو آتش و هیزم داری، پس بره قربانی کجا است؟» ۸ ابراهیم جواب داد: «خدا خودش آنرا آماده می کند.» هر دوی آن ها با هم رفتند. ۹ وقتی آن ها به جایی رسیدند که خدا فرموده بود، ابراهیم یک قربانگاه درست کرد و هیزم ها را روی آن گذاشت. پسر خود را بست و او را بر قربانگاه، روی هیزم ها قرار داد. ۱۰ سپس کارد را به دست گرفت تا او را قربانی کند. ۱۱ اما فرشته خداوند از آسمان او را صدا کرد و گفت: «ابراهیم، ابراهیم.» او جواب داد: «بلی، خداوندا.» ۱۲ فرشته گفت: «به پسر خود صدمه نرسان و هیچ کاری با او نکن. من حالا فهمیدم که تو از خدا اطاعت می کنی و به او احترام می گذاری. زیرا تو پسر عزیز خود را از او دریغ نکردی.» ۱۳ ابراهیم به طرف صدا نگاه کرد. قوچی را دید که شاخ هایش به درختی گیر کرده است. رفت و آنرا گرفت و به عنوان قربانی سوختنی به جای پسر خود قربانی کرد. ۱۴ ابراهیم آنجا را «خداوند آماده می کند» نامید و حتی امروز هم مردم می گویند: «بر سر کوهها خداوند آماده

می کند». ۱۵ فرشته خداوند برای بار دوم از آسمان ابراهیم را صدا کرد ۱۶ و گفت: «خداوند می گوید: من به تو وعده می دهم و به اسم خودم قسم می خورم که تو را به فراوانی برکت بدهم. زیرا تو این کار را کردی و پسر عزیز خود را از من دریغ نکردی. ۱۷ من وعده می دهم که نسل تو را مانند ستارگان آسمان و ریگ های ساحل بحر زیاد کنم. اولاده تو بر دشمنان خود پیروز می شوند. ۱۸ تمام ملت ها از من خواهند خواست همان طوری که نسل تو را برکت داده ام نسل آن ها را هم برکت دهم. فقط به خاطر اینکه تو از من اطاعت کردی.» ۱۹ ابراهیم پیش نوکران خود برگشت و آن ها با هم به بنر شیب رفتند و ابراهیم در آنجا اقامت گزید.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## خدا وعده آمدن نجات دهنده را می دهد - اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵؛ ۵۳: ۱-۱۲

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## خدا وعده آمدن نجات دهنده را می دهد - اشعیا ۵۲: ۱۳-۱۵

۱۳ خداوند می فرماید: «بنده من در کار خود موفق و سربلند می شود و بسیار ترقی می کند. ۱۴ بسیاری از مردم وقتی او را ببینند، متعجب می شوند، زیرا چهره او آنقدر تغییر کرده است که به انسان نمی ماند. ۱۵ پادشاهان جهان دهان خود را می بندند، زیرا چیزهایی را می بینند که هرگز برای شان بیان نشده و چیزهایی را می فهمند که قبلاً نشنیده بودند.»

## خدا وعده آمدن نجات دهنده را می دهد - اشعیا ۵۳: ۱-۱۲

۱ اما چه کسی این حقیقت را باور می کند؟ به چه کسی خداوند این حقیقت را آشکار ساخته است. ۲ خداوند مقدر کرده بود که بنده اش مانند نهالی در زمین خشک بروید و ریشه بدواند. او از جمال و زیبایی بهره ای نداشت که توجه ما را بخود جلب کند و مشتاق او باشیم. ۳ پیش مردم خوار بود و او را رد کردند، اما او همه رنج و درد را متحمل شد. هیچ کسی نمی خواست به روی او نگاه کند. همه او را حقیر می شمردند و ارزشی برایش قایل نبودند. ۴ او غمهای ما را به جان خود گرفت و دردهای ما را بر دوش خود حمل کرد. ولی ما فکر می کردیم درد و رنج او جزائی است که از جانب خدا بر او نازل شده است. ۵ او در حقیقت بخاطر گناه و خطای ما زده و زخمی شد. او جزا دید تا ما سلامتی داشته باشیم و از زخمهایی او ما شفا یافتیم. ۶ ما همه مثل گوسفندان سرگردان، گمراه شده و به راه خود روان بودیم، اما خداوند گناه همه ما را بگردن او نهاد. ۷ بر او ظلم شد، اما با فروتنی تحمل کرد و از زبانش حرف شکایت شنیده نشد. مثل بره ای او را به کشتارگاه بردند. او مانند گوسفندی که پیش پشم چین خاموش می ایستد، دهان خود را باز نکرد. ۸ او دستگیر، زندانی و محکوم به مرگ شد. او را بخاطر گناهان مردم کشتند و وقتیکه کشته شد، هیچ کسی اعتنائی نکرد. ۹ او را با گناهکاران به خاک سپردند و با ثروتمندان دفن شد، هر چند او به کسی ظلم نکرده و هیچ حرف دروغ از زبانش شنیده نشده بود. ۱۰ اما خواست خداوند بود که او درد و رنج بکشد و قربانی گردد تا گناهان دیگران بخشیده شود. به این ترتیب، صاحب فرزندان زیاد شده عمر طولانی می یابد و بوسیله او مرام خداوند حاصل می گردد. ۱۱ وقتی ببیند رنج و عذابی که کشیده است چه ثمری بارآورده است، خوشنود و راضی می شود. بنده عادل من گناهان بسیاری را به گردن می گیرد و من بخاطر او آن ها را می بخشم. ۱۲ بنابراین، من او را به مقام افتخار نایل می کنم و با اشخاص بزرگ هم نشینش می سازم، زیرا او جان خود را فدا کرد، در جمله گناهکاران بشمار رفت، گناه مردم را به گردن گرفت و شفاعت خواه خطاکاران شد.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## هویت نجات دهنده - اشعیا ۹: ۱ ، ۶-۷

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

### هویت نجات دهنده - اشعیا ۹: ۱

۱ اما برای کسانی که در سختی و تنگی هستند، این تاریکی همیشه باقی نمی ماند. خدا در گذشته قبایل زبولون و نفتالی را خوار و ذلیل ساخته بود، اما در آینده به همین سرزمین از بحر مدیترانه تا آن طرف دریای اردن و حتی تا خود جلیل که بیگانگان در آن زندگی می کنند، جلال و شکوه می آورد.

### هویت منجی - اشعیا ۹: ۶-۷

۶ زیرا فرزندی برای ما متولد شده و پسری برای ما بخشیده شده است. به او قدرت و اختیار داده شده است. نام او «مشاور عجیب»، «خدای قادر»، «پدر جاودانی» و «سلطان سلامتی» می باشد. ۷ بر تخت سلطنت داود می نشیند. قدرت و اختیار او روزافزون بوده تا ابد پادشاهی می کند. پایه سلطنتش بر عدل و انصاف استوار بوده و پادشاهی سلامتی او انتهائی نخواهد داشت. رضای خداوند قادر مطلق چنین است و همین کار را انجام می دهد.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## نجات دهنده معرفی می‌گردد - لوقا ۱: ۲۶-۳۸

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## نجات دهنده معرفی می‌گردد - لوقا ۱: ۲۶-۳۸

۲۶ در ماه ششم جبرائیل فرشته از جانب خدا به شهری به نام ناصره، که در ولایت جلیل واقع است ۲۷ به نزد باکره ای که نامزد مردی به نام یوسف - از خاندان داود - بود فرستاده شد. نام این دختر مریم بود. ۲۸ فرشته وارد شد و به او گفت: «سلام، ای کسی که مورد لطف هستی، خداوند با توست.» ۲۹ اما مریم از آنچه فرشته گفت بسیار پریشان شد و ندانست که معنی این سلام چیست. ۳۰ فرشته به او گفت: «ای مریم، نترس زیرا خداوند به تو لطف فرموده است. ۳۱ تو حامله خواهی شد و پسری خواهی زایید و نام او را عیسی (یشوعه) خواهی گذاشت. ۳۲ او بزرگ خواهد بود و به پسر خدای متعال ملقب خواهد شد، خداوند، خدا تخت پادشاهی جدش داود را به او عطا خواهد فرمود. ۳۳ او تا به ابد بر خاندان یعقوب فرمانروایی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایانی نخواهد داشت.» ۳۴ مریم به فرشته گفت: «این چگونه ممکن است؟ من باهیچ مردی رابطه نداشته ام.» ۳۵ فرشته به او جواب داد: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت خدای متعال بر تو سایه خواهد انداخت و به این سبب آن نوزاد مقدس، پسر خدا نامیده خواهد شد. ۳۶ بدان که خویشاوند تو الیزابت در سن پیری پسری در رحم دارد و آن کسی که نازا به حساب می آمد، اکنون شش ماه از حاملگی او می گذرد. ۳۷ زیرا برای خدا هیچ چیز محال نیست.» ۳۸ مریم گفت: «من کنیز خداوند هستم، همانطور که تو گفتی بشود.» و فرشته از پیش او رفت.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## نجات دهنده متولد می شود – لوقا ۲: ۱-۲۰

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## نجات دهنده متولد می شود – لوقا ۲: ۱-۲۰

۱ در آن روزها به منظور یک سرشماری عمومی در سراسر دنیای روم فرمانی از طرف امپراطور اوغسطس صادر شد.  
۲ وقتی دور اول این سرشماری انجام گرفت، کرینوس فرماندار کل سوریه بود. ۳ پس برای انجام سرشماری هرکس به شهر خود می رفت ۴ و یوسف نیز از شهر ناصره جلیل به یهودیه آمد تا در شهر داود، که بیت لحم نام داشت نامنویسی کند، زیرا او از خاندان داود بود. ۵ او مریم را که در این موقع در عقد او و حامله بود همراه خود برد. ۶ هنگامی که در آنجا اقامت داشتند وقت تولد طفل فرا رسید ۷ و مریم اولین فرزند خود را که پسر بود بدنیا آورد. او را در قنذاق پیچیده در آخوری خوابانید، زیرا در مسافرخانه جایی برای آنها نبود.

### چوپانان و فرشتگان

۸ در همان اطراف در میان مزارع، چوپانانی بودند که در وقت شب از گله خود نگهبانی می کردند. ۹ فرشته خداوند در برابر ایشان ایستاد و شکوه و جلال خداوند در اطراف شان درخشید و ایشان بسیار ترسیدند. ۱۰ اما فرشته گفت: «نترسید، من برای شما مرده ای دارم: خوشی بزرگی شامل حال تمامی این قوم خواهد شد. ۱۱ امروز در شهر داود نجات دهنده ای برای شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند است. ۱۲ نشانی آن برای شما این است که نوزاد را در قنذاقه پیچیده و در



آخور خوابیده خواهید یافت.» ۱۳ ناگهان با آن فرشته فوج بزرگی از سپاه آسمانی ظاهر شد که خدا را ستایش کرده، می گفتند: ۱۴ «خدا را در برترین آسمان ها جلال و بر زمین در بین مردمی که مورد پسند او می باشند صلح و سلامتی باد». ۱۵ بعد از آنکه فرشتگان آنها را ترک کردند و به آسمان رفتند، چوپانان به یکدیگر گفتند: «بیائید، به بیت لحم برویم و واقعه ای را که خداوند ما را از آن آگاه ساخته است ببینیم.» ۱۶ پس با تیزی و شتاب رفتند و مریم و یوسف و آن کودک را که در آخور خوابیده بود پیدا کردند. ۱۷ وقتی کودک را دیدند آنچه را که درباره او به آنها گفته شده بود نقل کردند. ۱۸ همه شنوندگان از آنچه چوپانان می گفتند تعجب می کردند. ۱۹ اما مریم تمام این چیزها را بخاطر می سپرد و درباره آن ها عمیقاً فکر می کرد. ۲۰ چوپانان برگشتند و بخاطر آنچه شنیده و دیده بودند خدا را حمد و سپاس می گفتند، زیرا آنچه به ایشان گفته شده بود واقع شده بود.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## عیسی غسل تعمید میگیرد - یوحنا ۱: ۲۹-۳۴

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

قدم سوم - یکی از اشتراک‌کننده‌ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می‌دهد

### عیسی غسل تعمید می‌گیرد - یوحنا ۱: ۲۹-۳۴

۲۹ روز بعد، وقتی یحیی عیسی را دید که به طرف او می‌آید، گفت: «ببینید اینست آن بره‌خدا که گناه جهان را بر می‌دارد. ۳۰ اینست آن کسی که درباره‌اش گفتم که بعد از من مردی می‌آید که بر من تقدم و برتری دارد، زیرا پیش از تولد من او وجود داشته است. ۳۱ من او را نمی‌شناختم اما آدمم تا با آب تعمید دهم و به این وسیله او را به اسرائیل بشناسانم». ۳۲ یحیی شهادت خود را اینطور ادامه داد: «من روح خدا را دیدم که به صورت کبوتری از آسمان نازل شد و بر او قرار گرفت. ۳۳ من او را نمی‌شناختم اما آن کسی که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم به من گفته بود، هرگاه ببینی که روح بر کسی نازل شود و بر او قرار گیرد، بدان که او همان کسی است که تعمید او با روح القدس است. ۳۴ من این را دیده‌ام و شهادت می‌دهم که او پسر خداست.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می‌بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور می‌تواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را می‌خواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

### عیسی بر وسوسه شیطان پیروز میشود - متی ۴: ۱-۱۱

#### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟

در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده‌اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور می‌توانیم به شما کمک کنیم؟

درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟

درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

#### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

### عیسی بر وسوسه شیطان پیروز میشود - متی ۴: ۱-۱۱

۱ آنگاه روح خدا عیسی را به بیابان بُرد تا شیطان او را در مقابل وسوسه ها امتحان کند. ۲ عیسی چهل شبانه روز، روزه گرفت و آخر گرسنه شد. ۳ در آن وقت وسوسه کننده به او نزدیک شده گفت: «اگر تو پسر خدا هستی بگو این سنگ ها نان بشود.» ۴ عیسی در جواب گفت: «نوشته شده است: زندگی انسان فقط بسته به نان نیست، بلکه به هر کلمه ای که خدا می فرماید.» ۵ آنگاه شیطان او را به بیت المقدس برده بر روی بام عبادتگاه، قرار داد ۶ و به او گفت: «اگر تو پسر خدا هستی خود را از اینجا به پایین بینداز زیرا نوشته شده است: او به فرشتگان خود فرمان خواهد داد و آنها تو را بر روی دست خواهند برد مبادا پایت به سنگی بخورد.» ۷ عیسی جواب داد: «همچنین نوشته شده است: خداوند، خدای خود را امتحان نکن.» ۸ بار دیگر شیطان او را بر بالای کوه بسیار بلندی برد و تمامی ممالک جهان و شکوه و جلال آن ها را به او نشان داد ۹ و گفت: «اگر پیش من سجد کنی و مرا پرستی، همه اینها را به تو خواهم داد.» ۱۰ عیسی به او فرمود: «دور شو، ای شیطان، نوشته شده است: باید خداوند، خدای خود را پرستی و فقط او را خدمت نمایی.» ۱۱ آنگاه شیطان عیسی را ترک نمود و فرشتگان آمده او را خدمت کردند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

### مردی که به دنبال خدا میگردد - یوحنا ۳: ۱-۲۱

#### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

### مردی که به دنبال خدا میگردد - یوحنا ۳: ۱-۲۱

۱ یک نفر از پیروان فرقه فریسی به نام نیکودیموس که از بزرگان قوم یهود بود، ۲ یک شب نزد عیسی آمد و به او گفت: «ای استاد، ما می دانیم تو معلمی هستی که از طرف خدا آمده ای زیرا هیچکس نمی تواند معجزاتی را که تو می کنی انجام دهد، مگر آنکه خدا با او باشد.» ۳ عیسی جواب داد: «بیقین بدان تا شخص از نو تولد نیابد نمی تواند پادشاهی خدا را ببیند.» ۴ نیکودیموس گفت: «چطور ممکن است شخص سالخورده ای از نو متولد شود؟ آیا می تواند باز به رحم مادر خود برگردد و دوباره تولد یابد؟» ۵ عیسی جواب داد «بیقین بدان که هیچ کس نمی تواند داخل پادشاهی خدا شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد. ۶ آنچه از جسم تولد بیابد، جسم است و آنچه از روح متولد گردد روح است. ۷ تعجب نکن که به تو می گویم همه باید دوباره متولد شوند. ۸ باد هر جا که بخواهد می وزد. صدای آن را می شنوی اما نمی دانی از کجا می آید یا به کجا می رود. حالت کسی هم که از روح خدا متولد می شود همینطور است.» ۹ نیکودیموس در جواب گفت: «این چطور ممکن است؟» ۱۰ عیسی گفت: «آیا تو که یک معلم بزرگ اسرائیل هستی، این چیزها را نمی دانی؟ ۱۱ بیقین بدان که ما از آنچه می دانیم سخن می گوئیم و به آنچه دیده ایم شهادت می دهیم، ولی شما شهادت ما را قبول نمی کنید. ۱۲ وقتی درباره امور زمینی سخن می گوئیم و آن را باور نمی کنید، اگر درباره امور آسمانی سخن بگوئیم چگونه باور خواهید کرد؟ ۱۳ کسی هرگز به آسمان بالا نرفت، مگر آنکس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که جایش در آسمان است. ۱۴ همانطوری که موسی در بیابان مار برنجی را بر بالای چوبی قرار داد، پسر انسان هم باید بلند کرده شود ۱۵ تا هر کس به او ایمان بیاورد صاحب زندگی ابدی گردد. ۱۶ زیرا خدا به دنیا آنقدر محبت داشت که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب زندگی ابدی شود. ۱۷ زیرا خدا پسر خود را به دنیا فرستاد که از دنیا بازخواست کند بلکه تا آن را نجات بخشد. ۱۸ هر کس به او ایمان بیاورد از او بازخواست نمی شود اما کسی که به او ایمان نیاورد زیر حکم باقی می ماند، زیرا به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده است. ۱۹ حکم بازخواست این است که نور به دنیا آمد ولی مردم به علت اعمال شرارت آمیز خود تاریکی را از نور بهتر دانستند، ۲۰ زیرا کسی که مرتکب کارهای بد می شود از نور نفرت دارد و از آن دوری می جوید مبادا اعمالش مورد ملالت واقع شود. ۲۱ اما شخص نیکوکار به سوی نور می آید تا روشن شود که اعمالش در خداترسی انجام شده است.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را می‌خواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## عیسی طوفان را آرام می‌کند – مرقس ۴: ۳۵-۴۱

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده‌اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می‌کنید؟ چطور می‌توانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک‌کننده‌گان به نوبت بخش‌های متن را می‌خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می‌خواند در حالی که دیگران گوش می‌دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک‌کننده‌ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می‌دهد

## عیسی طوفان را آرام می‌کند – مرقس ۴: ۳۵-۴۱

۳۵ عصر همان روز عیسی به شاگردان فرمود: «به آن طرف بحیره برویم.» ۳۶ پس آن‌ها جمعیت را ترک کردند و او را با همان کشتی‌ای که در آن نشسته بود، بردند و کشتی‌های دیگری هم همراه آن‌ها بود. ۳۷ طوفان شدیدی برخاست و امواج به کشتی می‌زد بطوری که نزدیک بود کشتی از آب پُر شود. ۳۸ در این موقع عیسی در عقب کشتی سر خود را روی بالشی گذارده و خوابیده بود، او را بیدار کردند و به او گفتند: «ای استاد، مگر در فکر ما نیستی؟ نزدیک است غرق شویم!» ۳۹ او برخاست و با تندى به باد فرمان داد و به بحیره گفت: «خاموش و آرام شو.» باد ایستاد و آرامش کامل برقرار شد. ۴۰ بعد عیسی به ایشان فرمود: «چرا اینقدر ترسیده‌اید؟ آیا هنوز ایمان ندارید؟» ۴۱ آن‌ها با ترس و لرز به یکدیگر می‌گفتند: «این کیست که حتی باد و بحیره هم از او اطاعت می‌کنند؟»

### پرسش/پرسش/ جواب دهید

در این متن چه می‌بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می‌دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخوانید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## قدرت عیسی بر ارواح – مرقس ۵: ۱-۲۰

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## قدرت عیسی بر ارواح – مرقس ۵: ۱-۲۰

۱ به این ترتیب آن ها به طرف دیگر بحیره، به سرزمین جَدْرِیان رفتند. ۲ همین که عیسی قدم به خشکی گذاشت مردی که گرفتار روح ناپاک بود، از مقبره ها بیرون آمده پیش او رفت. ۳ او در میان مقبره ها زندگی می کرد و هیچ کس نمی توانست او را حتی با زنجیر در بند نگه دارد. ۴ بارها او را با کنده و زنجیر بسته بودند، اما زنجیرها را پاره کرده و کنده ها را شکسته بود و هیچ کس نمی توانست او را رام کند. ۵ او شب و روز در اطراف مقبره ها و روی تپه ها آواره بود و دائماً فریاد می کشید و خود را با سنگ مجروح می ساخت. ۶ وقتی عیسی را از دور دید، دوید و در برابر او سجده کرد و با صدای بلند فریاد زد: «ای عیسی، پسر خدای متعال، با من چکار داری؟ تو را به خدا قسم می دهم مرا عذاب نده.» ۷ زیرا عیسی به او گفته بود: «ای روح ناپاک از این مرد بیرون بیا.» ۹ عیسی از او پرسید: «اسم تو چیست؟» او گفت: «اسم من لِیْیون (لشکر) است، چون ما عده زیادی هستیم.» ۱۰ او بسیار التماس کرد، که عیسی آن ها را از آن سرزمین بیرون نکند. ۱۱ در این موقع یک گله بزرگ خوک در آنجا بود که روی تپه ها می چریدند. ۱۲ ارواح به او التماس کرده گفتند: «ما را به میان خوک ها بفرست تا به داخل آن ها شویم.» ۱۳ عیسی به آن ها اجازه داد و ارواح ناپاک بیرون آمدند و در خوک ها داخل شدند و گله ای که تقریباً دو هزار خوک بود، با سرعت از سرایشی تپه به طرف بحیره دویدند و در آب غرق شدند. ۱۴ خوک بانان فرار کردند و این خبر را در شهر و اطراف شهر پخش کردند. مردم از شهر بیرون آمدند تا آنچه را که واقع شده بود، ببینند. ۱۵ وقتی آن ها پیش عیسی آمدند و آن دیوانه را که گرفتار فوجی از ارواح ناپاک بود دیدند، که لباس پوشیده و با عقل سالم در آنجا نشسته است، بسیار ترسیدند. ۱۶ کسانی که شاهد ماجرا بودند، آنچه را که برای مرد دیوانه و خوک ها

واقع شده بود برای مردم گفتند. ۱۷ پس مردم از عیسی خواهش کردند از سرزمین آن ها بیرون برود. ۱۸ وقتی عیسی می خواست سوار کشتی شود، مردی که قبلاً دیوانه بود، از عیسی خواهش کرد که به وی اجازه دهد همراه او برود. ۱۹ اما عیسی به او اجازه نداد بلکه فرمود: «به منزل خود پیش خانواده ات برو و آن ها را از آنچه خداوند از راه لطف خود برای تو کرده است آگاه کن.» ۲۰ آن مرد رفت و آنچه را عیسی برایش انجام داده بود، در سرزمین دکاپولس منتشر کرد و همه مردم تعجب می کردند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## شفا دادن مرد فلج توسط عیسی - لوقا ۵: ۱۷-۲۶

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## شفا دادن مرد فلج توسط عیسی - لوقا ۵: ۱۷-۲۶

۱۷ روزی عیسی مشغول تعلیم بود و پیروان فرقه فریسی و معلمین شریعت که از تمام دهات جلیل و از یهودیه و اورشلیم آمده بودند، در دور او نشسته بودند و او با قدرت خداوند بیماران را شفا می داد. ۱۸ در این هنگام چند مردی دیده شدند که

شلی را روی تختی می آوردند. آن ها کوشش می کردند او را به داخل بیاورند و در برابر عیسی به زمین بگذارند. ۱۹ اما به علت زیادی جمعیت نتوانستند راهی پیدا کنند که او را به داخل آورند. بنابراین به بام رفتند و او را با تشک از راه چت پایین گذاشتند و در میان جمعیت در برابر عیسی قرار دادند. ۲۰ عیسی وقتی ایمان آن ها را دید فرمود: «ای دوست، گناهان تو بخشیده شد.» ۲۱ علمای یهود و پیروان فرقه فریسی به یکدیگر می گفتند: «این کیست که حرفهای کفرآمیز می زند؟ چه کسی جز خدا می تواند گناهان را ببخشد؟» ۲۲ اما عیسی افکار آنها را درک کرد و در جواب فرمود: «چرا چنین افکاری در ذهن خود می پرورانید؟ ۲۳ آیا گفتن اینکه گناهان تو بخشیده شد، آسانتر است یا گفتن اینکه بلند شو و راه برو؟ ۲۴ اما برای اینکه بدانید پسر انسان در روی زمین قدرت و اختیار آمرزیدن گناهان را دارد»، به آن مرد شل گفت: «به تو می گویم بلند شو، تشک خود را بردار و به خانه برو.» ۲۵ او فوراً پیش چشم آنها روی پایهای خود برخاست، تشکی را که روی آن خوابیده بود برداشت و خدا را حمدگویان به خانه رفت. ۲۶ همه غرق در حیرت شدند و خدا را حمد کردند و با ترس می گفتند: «امروز چیزهای عجیبی دیدیم.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## زنی که به دنبال خدا میگردد - یوحنا ۴: ۱-۲۶ , ۳۹-۴۲

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند



قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

### زنی که به دنبال خدا میگردد - یوحنا ۴: ۱-۲۶

۱ وقتی خداوند فهمید که فریسی ها شنیده اند که او بیشتر از یحیی شاگرد پیدا کرده و آن ها را تعمید می دهد (هرچند شاگردان عیسی تعمید می دادند نه خود او)، ۳ یهودیه را ترک کرد و به جلیل برگشت ۴ ولی لازم بود از سامره عبور کند. ۵ او به شهری از سامره که سوخار نام داشت، نزدیک مزرعه ای که یعقوب به پسر خود یوسف بخشیده بود، رسید. ۶ چاه یعقوب در آنجا بود و عیسی که از سفر خسته شده بود، در کنار چاه نشست. تقریباً ظهر بود. ۷ یک زن سامری برای کشیدن آب آمد. عیسی به او گفت: «قدری آب به من بده.» ۸ زیرا شاگردانش برای خرید غذا به شهر رفته بودند. ۹ زن سامری گفت: «چطور تو که یک یهودی هستی از من که یک زن سامری هستم آب می خواهی؟» او این را گفت چون یهودیان با سامریان نشست و برخاست نمی کنند. ۱۰ عیسی به او جواب داد: «اگر می دانستی بخشش خدا چیست و کیست که از تو آب می خواهد، حتماً از او خواهش می کردی و او به تو آب زنده عطا می کرد.» ۱۱ زن گفت: «ای آقا سطل نداری و این چاه عمیق است. از کجا آب زنده داری؟» ۱۲ آیا تو از جد ما یعقوب بزرگتر هستی که این چاه را به ما بخشید و خود او و پسران و گله اش از آن نوشیدند؟» ۱۳ عیسی گفت: «هر که از این آب بنوشد باز تشنه خواهد شد ۱۴ اما هر کس از آبی که من می بخشم بنوشد هرگز تشنه نخواهد شد، زیرا آن آبی که به او می دهم در باطن او به چشمه ای تبدیل خواهد شد که تا زندگی ابدی خواهد جوشید.» ۱۵ زن گفت: «ای آقا، آن آب را به من بده تا دیگر تشنه نشوم و برای کشیدن آب به اینجا نیایم.» ۱۶ عیسی به او فرمود: «برو شوهرت را صدا کن و به اینجا برگرد.» ۱۷ زن جواب داد: «شوهر ندارم.» عیسی گفت: «راست می گویی که شوهر نداری، ۱۸ زیرا تو پنج شوهر داشته ای و آن مردی هم که اکنون با تو زندگی می کند شوهر تو نیست. آنچه گفتی درست است.» ۱۹ زن گفت: «ای آقا، می بینم که تو نبی هستی. ۲۰ پدران ما در روی این کوه عبادت می کردند، اما شما یهودیان می گوئید، باید خدا را در اورشلیم عبادت کرد.» ۲۱ عیسی گفت: «ای زن، باور کن زمانی خواهد آمد که پدر را نه بر روی این کوه پرستش خواهید کرد و نه در اورشلیم. ۲۲ شما سامریان آنچه را نمی شناسید، می پرستید اما ما آنچه را که می شناسیم عبادت می کنیم، زیرا رستگاری بوسیله قوم یهود می آید. ۲۳ اما زمانی می آید - و این زمان هم اکنون شروع شده است - که پرستندگان حقیقی، پدر را با روح و راستی عبادت خواهند کرد، زیرا پدر طالب این گونه پرستندگان می باشد. ۲۴ خدا روح است و هر که او را می پرستد باید با روح و راستی عبادت نماید.» ۲۵ زن گفت: «من می دانم که مسیح خواهد آمد و هر وقت بیاید، همه چیز را به ما خواهد گفت.» ۲۶ عیسی گفت: «من که با تو صحبت می کنم همان هستم.»

### زنی که به دنبال خدا میگردد - یوحنا ۴: ۳۹-۴۲

۳۹ به خاطر شهادت آن زن که گفته بود: «آنچه تا به حال کرده بودم به من گفت»، در آن شهر عده زیادی از سامریان به عیسی ایمان آوردند. ۴۰ وقتی سامریان نزد عیسی آمدند از او خواهش کردند که پیش آن ها بماند. پس عیسی دو روز در آنجا ماند ۴۱ و عده زیادی نیز به خاطر سخنان او ایمان آوردند. ۴۲ و به آن زن گفتند: «حالا دیگر به خاطر سخن تو نیست که ما ایمان داریم، زیرا ما خود سخنان او را شنیده ایم و می دانیم که او در حقیقت نجات دهنده عالم است.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخوانید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## قدرت عیسی بر مرگ – یوحنا ۱۱: ۴۴-۱

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## قدرت عیسی بر مرگ – یوحنا ۱۱: ۴۴-۱

۱ مردی به نام ایلعازر، از اهالی بیت عنیا یعنی دهکده مریم و خواهرش مرتا، مریض بود. ۲ مریم همان بود که به پایهای خداوند عطر ریخت و آن ها را با موهای خود خشک کرد و اکنون برادرش ایلعازر بیمار بود. ۳ پس خواهرانش برای عیسی پیغام فرستادند که: «ای خداوند، آن کسی که تو او را دوست داری بیمار است.» ۴ وقتی عیسی این را شنید گفت: «این بیماری به مرگ او منجر نخواهد شد بلکه وسیله ای برای جلال خداست تا پسر خدا نیز از این راه جلال یابد.» ۵ عیسی مرتا و خواهر او و ایلعازر را دوست می داشت. ۶ پس وقتی از بیماری ایلعازر باخبر شد دو روز دیگر در جایی که بود توقف کرد ۷ و سپس به شاگردان گفت: «بیباید باز هم به یهودیه برویم.» ۸ شاگردان به او گفتند: «ای استاد، هنوز از آن وقت که یهودیان می خواستند تو را سنگسار کنند چیزی نگذشته است. آیا باز هم می خواهی به آنجا بروی؟» ۹ عیسی جواب داد: «آیا یک روز دوازده ساعت نیست؟ کسی که در روز راه می رود لغزش نمی خورد زیرا نور این جهان را می بیند. ۱۰ اما اگر کسی در شب راه برود می لغزد زیرا در او هیچ نوری وجود ندارد.» ۱۱ عیسی این را گفت و افزود: «دوست ما ایلعازر خوابیده است اما من می روم تا او را بیدار کنم.» ۱۲ شاگردان گفتند: «ای خداوند، اگر او خواب باشد حتماً خوب خواهد شد.» ۱۳ عیسی از مرگ او سخن می گفت اما آن ها تصور کردند مقصد او خواب معمولی است. ۱۴ آنگاه عیسی بطور واضح به آن ها گفت: «ایلعازر مرده است. ۱۵ به خاطر شما خوشحالم که آنجا نبوده ام چون حالا می توانید ایمان

بیاورید. بیایید پیش او برویم.» ۱۶ تو ما که او را دو گانگی می گفتند به دیگر شاگردان گفت: «بیایید ما هم برویم تا با او بمیریم.» ۱۷ وقتی عیسی به آنجا رسید معلوم شد که چهار روز است او را دفن کرده اند. ۱۸ بیت عنیا کمتر از نیم فرسنگ از اورشلیم فاصله داشت ۱۹ و بسیاری از یهودیان نزد مرثا و مریم آمده بودند تا به خاطر مرگ برادرشان آن ها را تسلی دهند. ۲۰ مرثا همینکه شنید عیسی در راه است برای استقبال او بیرون رفت ولی مریم در خانه ماند. ۲۱ مرثا به عیسی گفت: «خداوند، اگر تو اینجا می بودی برادرم نمی مُرد. ۲۲ با وجود این می دانم که حالا هم هرچه از خدا بخواهی به تو عطا خواهد کرد.» ۲۳ عیسی گفت: «برادرت باز زنده خواهد شد.» ۲۴ مرثا گفت: «می دانم که او در روز قیامت زنده خواهد شد.» ۲۵ عیسی گفت: «من قیامت و زندگی هستم. کسی که به من ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، زندگی خواهد داشت ۲۶ و کسی که زنده باشد و به من ایمان بیاورد هرگز نخواهد مرد. آیا این را باور می کنی؟» ۲۷ مرثا گفت: «بلی، خداوند، من ایمان دارم که تو مسیح و پسر خدا هستی که می باید به دنیا بیایی.» ۲۸ پس از اینکه این را گفت رفت و خواهر خود مریم را صدا کرد و به طور پنهانی به او گفت: «استاد آمده است و تو را می خواهد.» ۲۹ وقتی مریم این را شنید فوراً برخاست و به طرف عیسی رفت. ۳۰ عیسی هنوز به دهکده نرسیده بود بلکه در همان جایی بود که مرثا به دیدن او رفت. ۳۱ یهودیانی که برای تسلی دادن به مریم در خانه بودند وقتی دیدند که او با عجله برخاسته و از خانه بیرون می رود به دنبال او رفتند و با خود می گفتند که او می خواهد به سر قبر برود تا در آنجا گریه کند. ۳۲ همین که مریم به جایی که عیسی بود آمد و او را دید، به پاهای او افتاده گفت: «خداوند، اگر در این جا می بودی برادرم نمی مُرد.» ۳۳ عیسی وقتی او و یهودیانی را که همراه او بودند گریان دید از دل آهی کشید و سخت متأثر شد ۳۴ و پرسید: «او را کجا گذاشته اید؟» جواب دادند: «خداوند، بیا و ببین.» ۳۵ عیسی گریست. ۳۶ یهودیان گفتند: «ببینید چقدر او را دوست داشت؟» ۳۷ اما بعضی گفتند: «آیا این مرد که چشمان کور را باز کرد نمی توانست کاری بکند که جلوی مرگ ایلعازر را بگیرد؟» ۳۸ پس عیسی در حالی که از دل آه می کشید به سر قبر آمد. قبر غاری بود که سنگی پیش روی آن گذاشته بودند. ۳۹ عیسی گفت: «سنگ را بردارید.» مرثا خواهر ایلعازر گفت: «خداوند، حالا چهار روز از مرگ او می گذرد و بو گرفته است.» ۴۰ عیسی به او گفت: «آیا به تو نگفتم که اگر ایمان داشته باشی جلال خدا را خواهی دید؟» ۴۱ پس سنگ را از پیش روی قبر برداشتند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت: «ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیده ای. ۴۲ من می دانستم که تو همیشه سخن مرا می شنوی ولی به خاطر کسانی که اینجا ایستاده اند این را گفتم تا آن ها ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده ای.» ۴۳ پس از این سخنان، عیسی با صدای بلند فریاد زد: «ای ایلعازر، بیرون بیا.» ۴۴ آن مرد، در حالی که دست ها و پاهایش با کفن بسته شده و صورتش با دستمال پوشیده بود، بیرون آمد. عیسی به آن ها گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.»

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## آخرین شام عیسی - متی ۲۶: ۱۷-۳۰

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## آخرین شام عیسی - متی ۲۶: ۱۷-۳۰

۱۷ در نخستین روز عید قَطیر شاگردان نزد عیسی آمده از او پرسیدند: «کجا می خواهی برای تو نان عید فصَح را آماده کنیم؟» ۱۸ عیسی جواب داد: «در شهر نزد فلان شخص بروید و به او بگوئید: استاد می گوید وقت من نزدیک است و فصَح را با شاگردانم در منزل تو نگاه خواهم داشت.» ۱۹ شاگردان مطابق امر عیسی عمل کرده نان فصَح را حاضر ساختند. ۲۰ وقتی شب شد عیسی با دوازده شاگرد خود بر سر دسترخوان نشست. ۲۱ در وقت صرف غذا فرمود: «بدانید که یکی از شما مرا تسلیم دشمن خواهد کرد.» ۲۲ آنها بسیار ناراحت شدند و یکی پس از دیگری پرسیدند: «خداندا، آیا من آن شخص هستم؟» ۲۳ عیسی جواب داد: «کسی که دست خود را با من در کاسه می بَرَد، مرا تسلیم خواهد کرد. ۲۴ پسر انسان به همان راهی خواهد رفت که در راجع به او نوشته شده است، اما وای بر آن کس که پسر انسان توسط او تسلیم شود. برای آن شخص بهتر می بود که هرگز به دنیا نمی آمد.» ۲۵ آنگاه یهودای خائن در جواب گفت: «ای استاد، آیا آن شخص من هستم؟» عیسی جواب داد: «همانطور است که می گویی.» ۲۶ غذا هنوز تمام نشده بود، که عیسی نان را برداشت و پس از شکرگزاری آن را پاره کرده به شاگردان داد و گفت: «بگیرید و بخورید، این است بدن من.» ۲۷ آنگاه پیاله را برداشت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: «همه شما از این بنوشید ۲۸ زیرا این است خون من که اجرای عهد و پیمان نو را تأیید می کند و برای آمرزش گناهان بسیاری ریخته می شود. ۲۹ بدانید که من دیگر از میوه تاک نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدرم تازه بنوشم.» ۳۰ پس از آن، سرود فصَح را خواندند و به طرف کوه زیتون رفتند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## عیسی بر روی صلیب کشته شد - لوقا ۲۳: ۳۲-۴۹

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## عیسی بر روی صلیب کشته شد - لوقا ۲۳: ۳۲-۴۹

۳۲ دو جنایتکار هم برای مصلوب شدن با او بودند. ۳۳ و وقتی به محلی موسوم به «کاسه سر» رسیدند، او را در آنجا به صلیب میخکوب کردند. آن جنایتکاران را هم با او مصلوب نمودند، یکی را در سمت راست و دیگری را در سمت چپ او.  
۳۴ عیسی گفت: «ای پدر، اینها را ببخش زیرا نمی دانند چه می کنند.» بالای لباس های او قرعه انداخته میان خود تقسیم کردند. ۳۵ مردم ایستاده تماشا می کردند و رؤسای آنها با ریشخند می گفتند: «دیگران را نجات داد. اگر این مرد مسیح و برگزیده خدا است، حالا خودش را نجات دهد.» ۳۶ عساکر هم او را مسخره کردند و پیش آمده سرکه خود را به او تعارف کردند ۳۷ و گفتند: «اگر تو پادشاه یهودیان هستی خود را نجات بده.» ۳۸ در بالای سر او نوشته شده بود: «پادشاه یهودیان».  
۳۹ یکی از آن جنایتکار که به صلیب آویخته شده بود با ریشخند به او می گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ خودت و ما را نجات بده.» ۴۰ اما آن دیگری با ملامت به اولی جواب داد: «از خدا نمی ترسی؟ سر تو و او یک قسم حکم شده است. ۴۱ در مورد ما منصفانه عمل شده، چون ما به سزای اعمال خود می رسیم، اما این مرد هیچ خطایی نکرده است.» ۴۲ و گفت: «ای عیسی، وقتی به پادشاهی خود رسیدی مرا به یاد داشته باش.» ۴۳ عیسی جواب داد: «خاطر جمع باش، امروز با من در فردوس خواهی بود.» ۴۴ تقریباً ظهر بود، که تاریکی تمام آن سرزمین را فراگرفت و تا ساعت سه بعد از ظهر آفتاب گرفته شده بود ۴۵ و پرده عبادتگاه دو تکه شد. ۴۶ عیسی با فریاد بلند گفت: «ای پدر، روح خود را به تو می سپارم.» این را گفت و جان داد. ۴۷ وقتی صاحب منصبی که مسئول نگهبانی بود این جریان را دید خدا را حمد کرد و گفت: «در واقع این مرد

بی گناه بود.» ۴۸ جمعیتی که برای تماشا گرد آمده بودند وقتی ماجرا را دیدند، سینه زنان به خانه های خود برگشتند. ۴۹ آشنایان عیسی و زنانی که از جلیل همراه او آمده بودند همگی در فاصله دوری ایستاده بودند و جریان را می دیدند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

## برخواستن عیسی از مردگان - لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶ ؛ ۲۴: ۱-۱۶

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگزاری؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## برخواستن عیسی از مردگان - لوقا ۲۳: ۵۰-۵۶

۵۰ در آنجا مردی به نام یوسف حضور داشت که یکی از اعضای شورای یهود بود. او مردی نیکنام و درستکار بود.  
۵۱ یوسف به تصمیم شورا و کاری که در پیش گرفته بودند رأی مخالف داده بود. او از اهالی یک شهر یهودی به نام رامه بود و از آن کسانی بود که در انتظار پادشاهی خدا بسر می بردند. ۵۲ این مرد در این موقع پیش پیلطس رفت و جنازه

عیسی را خواست. ۵۳ سپس آن را پایین آورد و در کتان نازک پیچید و در مقبره ای که از سنگ تراشیده شده بود و پیش از آن کسی را در آن نگذاشته بودند قرار داد. ۵۴ آن روز، روز تهیه بود و روز سبّت از آن ساعت شروع می شد. ۵۵ زنانی که از جلیل همراه عیسی آمده بودند به دنبال یوسف رفتند. آن ها مقبره و جای دفن او را دیدند. ۵۶ سپس به خانه رفتند و حنوط و عطریات تهیه کردند و در روز سبّت مطابق امر شریعت استراحت نمودند.

### برخواستن عیسی از مردگان - لوقا ۲۴: ۱-۱۶

۱ در روز اول هفته (یکشنبه) صبح وقت سر قبر آمدند و حنوطی را که تهیه کرده بودند، با خود آوردند. ۲ آن ها دیدند که سنگ از در مقبره به کنار غلطانیده شده ۳ و وقتی به داخل رفتند از جسد عیسی اثری نبود. ۴ پریشان و نگران در آنجا ایستاده بودند که ناگهان دو مرد با لباس های نورانی در پهلویشان ایستادند. ۵ زنان سخت ترسیدند و در حالی که سرهای خود را به زیر انداخته بودند ایستادند. آن دو مرد گفتند: «چرا زنده را در میان مردگان می جویید؟ ۶ او اینجا نیست بلکه زنده شده است. آنچه را در وقت بودن در جلیل به شما گفت به یاد بیاورید ۷ که چطور پسر انسان می بایست به دست خطاکاران تسلیم گردد و مصلوب شود و در روز سوم زنده شود.» ۸ آن وقت زنان سخنان او را به خاطر آوردند ۹ و وقتی از سر قبر برگشتند تمام موضوع را به یازده حواری و دیگران گزارش دادند. ۱۰ آن زنان عبارت بودند از مریم مجدلیه، یونا و مریم مادر یعقوب. زنان دیگر هم که با آنها بودند، جریان را به رسولان گفتند. ۱۱ اما موضوع به نظر آنها پوچ و بی معنی آمد و سخنان آنها را باور نمی کردند ۱۲ اما پتروس برخاست و به سوی قبر دوید و خم شده نگاه کرد، ولی چیزی جز کفن ندید. سپس در حالی که از این واقعه در حیرت بود به خانه برگشت. ۱۳ همان روز دو نفر از آنها به سوی دهکده ای به نام عمائوس که تقریباً در دو فرسنگی اورشلیم واقع شده است می رفتند. ۱۴ آن دو درباره همه این واقعات صحبت می کردند. ۱۵ همینطور که سرگرم صحبت و مباحثه بودند خود عیسی نزدیک شد و با آنها همراه شد. ۱۶ اما چیزی پیش چشمان آن ها را گرفت، بطوریکه او را نشناختند.

### پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

### ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروه مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---

### فرزند خدا شدن - یوحنا ۱: ۱-۱۸

## ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستور العمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

## کشف کردن:

**قدم اول -** اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
**قدم دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
**قدم سوم -** یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## فرزند خدا شدن - یوحنا ۱: ۱-۱۸

۱ در ازل کلام بود. کلام با خدا بود و کلام خود خدا بود، ۲ از ازل کلام با خدا بود. ۳ همه چیز به وسیله او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. ۴ زندگی از او بوجود آمد و آن زندگی نور آدمیان بود. ۵ نور در تاریکی می درخشید و تاریکی هرگز بر آن پیروز نشده است. ۶ مردی به نام یحیی ظاهر شد که فرستاده خدا بود. ۷ او آمد تا شاهد باشد و بر آن نور شهادت دهد تا بوسیله او همه ایمان بیاورند. ۸ او خودش آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد. ۹ آن نور واقعی که همه آدمیان را نورانی می سازد، در حال آمدن به دنیا بود. ۱۰ او در دنیا بود و دنیا بوسیله او آفریده شد، اما دنیا او را شناخت. ۱۱ او به قلمرو خود آمد ولی متعلقانش او را قبول نکردند. ۱۲ اما به همه کسانی که او را قبول کردند و به او ایمان آوردند، این حق را داد که فرزندان خدا شوند، ۱۳ که نه مانند تولدهای معمولی و نه در اثر تمایلات نفسانی و نه در اثر خواهش بشر بلکه از خدا تولد یافتند. ۱۴ پس کلام جسم گشته بشکل انسان در میان ما جای گرفت. جلالش را دیدیم - شکوه و جلالی شایسته پسر یگانه پدر و پُر از فیض و راستی. ۱۵ شهادت یحیی این بود که فریاد می زد و می گفت: «این همان شخصی است که درباره او گفتم که بعد از من می آید اما بر من برتری و تقدم دارد، زیرا پیش از تولد من، او وجود داشت.» ۱۶ از پُری او، همه ما برخوردار شدیم، فیض بالای فیض ۱۷ زیرا شریعت بوسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی توسط عیسی مسیح آمد. ۱۸ کسی هرگز خدا را ندیده است، اما آن پسر یگانه ای که در ذات پدر و از همه به او نزدیکتر است او را شناسانیده است.

## پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟  
این برای شما چه معنای دارد؟  
چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟  
چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس  
چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟  
درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟



## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجدداً ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

## کی میتواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۱: ۱-۳ ؛ ۲۳: ۳-۲۴ ؛ ۵: ۱۱-۱۳

### ارتباط:

امروز بخاطر چه چیزی شکرگذارید؟  
در هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟  
چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم به شما کمک کنیم؟  
درس جلسه گذشته را چطور به کار بردید؟ نتیجه چی شد؟  
درس آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ جواب آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل ذیل استفاده کنید؛ شما را در قسمت کشف حقیقت خدا راهنمایی میکند.

### کشف کردن:

قدم اول - اشتراک کننده گان به نوبت بخش های متن را می خوانند  
قدم دوم - یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند  
قدم سوم - یکی از اشتراک کننده ها قسمتی از متن را به زبان خود توضیح می دهد

## کی میتواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۱: ۱-۳

۱ ما درباره کلام زندگی به شما می نویسیم - کلامی که از ازل بود و ما آن را شنیده و با چشمان خود دیده ایم - بلی، ما آن را دیده ایم و دست های ما آن را لمس کرده است. ۲ آن زندگی ظاهر شد و ما آن را دیدیم. پس ما درباره آن شهادت می دهیم و از زندگی ابدی که با پدر بود و به ما شناسانیده شد، شما را آگاه می سازیم. ۳ بلی، آنچه را که ما دیده و شنیده ایم به شما اعلام می کنیم تا در شراکتی که ما با پدر و پسر او عیسی مسیح داریم، شما هم با ما شریک شوید.

## کی میتواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۳: ۲۳-۲۴

۲۳ و حکم او این است که ما باید به نام پسر او عیسی مسیح ایمان آوریم و یکدیگر را دوست بداریم چنانکه مسیح هم همین امر را به ما داده است. ۲۴ هر که احکام او را رعایت می کند در خدا زندگی می کند و خدا در او. او روح القدس را به ما بخشیده است تا ما مطمئن باشیم که او در ما زندگی می کند.

## کی میتواند زندگی ابدی داشته باشد؟ - اول یوحنا ۵: ۱۱-۱۳

۱۱ شهادت این است که خدا به ما زندگی ابدی داده است و این زندگی در پسر او است. ۱۲ هر که پسر را دارد، زندگی دارد و هر که پسر را ندارد، صاحب زندگی نیست. ۱۳ این رساله را نوشتم تا شما که به نام پسر خدا ایمان دارید، یقین داشته باشید که زندگی ابدی دارید.

## پرسان کنید/ جواب دهید

در این متن چه می بینید؟

این برای شما چه معنای دارد؟

چه چیزی را در این متن دوست دارید / دوست ندارید؟

چطور این متن نظر شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

جواب: اگر این درست است... پس

چطور میتواند راه و روش زندگی شما را تغییر دهد؟

درس امروز را میخواهید با چه کسی شریک بسازید؟

## ختم کردن جلسه

تصمیم بگیرید که چه وقت گروپ مجددا ملاقات خواهد کرد، و جلسه را با دعا خاتمه دهید.

---